



«نقد نمایشگاه به ما نگاه کنید، مهشید نوشیروانی»

با رویکرد ساختارگرا

دکتر محمد خدادی مترجم زاده

عمادالدین رحمانی قزانچی

۹۹۱۲۳۳۵۲۰۲



از نمایشگاه به ما نگاه کنید، مهشید نوشیروانی

عکس‌های نمایشگاه مهشید نوشیروانی از کارگران کارخانه‌های مالیبیل و زیر مجموعه‌های مارگارین از جمله خروس‌نشان و خلیج، پر از نشانه‌هایی است که بر یک چیز مشخص یعنی شرایط سخت کاری دلالت می‌کنند. محیط‌های کثیف و بهم ریخته از ادوات کاری، لباس‌های فرم نا زیبا یا لباس‌های شخصی‌ای که تبدیل به لباس کار شده و از ریخت افتاده‌اند (همانند تصویر بالا)، نمایشی از شرایط سخت محیط‌های کاری در این کارخانه‌ها یا هر کارخانه مشابه دیگری در ایران یا حتی در دیگر کشورها به دست می‌دهد. مرد میانسال مرکز تصویر بالا با چهره‌ای مصمم با کت بلندش، بدون در نظر گرفتن وضعیت زشت و کثیف محیط اطراف که پر از ادوات لوله‌کشی است، با صلابت و با ابهت به نظر می‌رسد. اما با نگاهی دقیق‌تر به حالت دستانش و وجود دال‌های دیگر موجود در عکس، این تصور به سرعت رنگ باخته و غم و ناامیدی فضا بر من اثر می‌کند. در برخی دیگر از عکس‌های نمایشگاه موارد مشابهی را می‌توان دید، ژست بدن و حالت چهره برخی از کارگران از صلابت، جوانی و نشاط خبر می‌دهد اما در قیاس با نشانه‌هایی مانند کارگران دیگر در عکس، شرایط محیطی و لباس‌های کار، این تصور محو شده و امیدهای از دست رفته و رویاهای محقق نشده آن‌ها خودنمایی می‌کند.

عکس‌های نمایشگاه را می‌توان به زنجیره‌ای بهم پیوسته و منسجم تشبیه کرد که هدفی مشخص را دنبال می‌کنند. ساختار اکثر عکس‌ها و نشانه‌های موجود در آنها بسیار بهم شبیه بوده و به خوبی در خدمت هدف عکاس قرار گرفته‌اند، تنها تفاوت را می‌توان در رنگی بودن برخی عکس‌ها و سیاه و سفید بودن برخی دیگر قائل شد، این باعث بهم خوردن انسجام در عکس‌های نمایشگاه از نظر فرمی شده است اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان رنگ را نشانه‌ای در نظر گرفت که به درستی در خدمت هدف عکاس قرار گرفته تا به حس تعلیق عکس‌ها اضافه کند و ما را بیشتر متوجه وضعیت سخت و ناامیدکننده کارگران کند. نگاه با فاصله و بدون احساس، عدم دخالت در ژست کارگران و

صرفاً نقش ناظری بی‌طرف بازی کردنِ عکاس، برای من یادآور پرتره‌های اگوست زاندر^۱ در اوایل قرن بیست در جنبش عینیت نوین آلمان و پرتره‌های جوئل استرنفلد^۲ از غریبه‌ها در عکاسی ددپن^۳ معاصر است.

اگر عکس‌های این نمایشگاه را از منظر رئیس و هیئت مدیره همین کارخانه‌ها و به‌طور کلی طبقهٔ مرفه جامعه بنگریم چگونه خواهند بود؟ آیا ساختارهای منسجم و نشانه‌های صریح و ضمنی موجود در تصاویر نمایشگاه این قدرت را دارند که اندکی حس همدردی افرادی که در رأس این کارخانه‌ها قرار دارند را برانگیخته کنند یا کمی خوشبینانه‌تر، می‌توانند چنان اثری داشته باشند تا مقام‌های بالا دستی را مجبور به تلاشی برای بهبود زندگی این طبقه زحمت‌کش کنند؟

پاسخ به این سوال گرچه کمی پیچیده و سخت به‌نظر می‌رسد و نمی‌توان حکم قطعی صادر کرد اما با توجه به عکس‌ها و به‌طور کلی وضعیت زندگی خانواده‌های کارگری که در اطراف خود می‌بینم، می‌توانم به این نتیجه برسم که اعضای هیئت مدیره این شرکت‌ها با دیدن این تصاویر نه تنها حس همدردی در آنها برانگیخته نمی‌شود بلکه خود را بابت ایجاد محیطی که این افراد بتوانند در آن کار کرده و روزی خانواده‌شان را تامین کنند تحسین کرده و احساس غرور می‌کنند اما حاضر به همدردی با آنها و اندکی بهبود شرایط کاری و وضعیت دستمزدشان نخواهند بود. البته به عقیده من کارگران موجود در عکس‌های نمایشگاه مهشید نوشیروانی با نگاه‌هایی مصمم، مغموم و نگران و لباس‌هایی بی‌قواره و کثیف در محیط‌هایی زشت، سخت و یکنواخت با ساختار و نشانه‌هایی به نسبت یکپارچه هر بیننده در هر سطحی را به همدردی و تأمل وادار می‌کنند.

در پایان می‌توان گفت، نمایشگاه «به ما نگاه کنید» از مهشید نوشیروانی با انسجام ساختاری و فرمی نسبتاً خوب، روایتی از زندگی طبقه‌ی کارگر را به ما نشان می‌دهد. روایتی تلخ و غمناک که می‌توان در چشمان فرد فرد کارگران مجموعه آن را مشاهده کرد.

1 . August Sander
2 . Joel Sternfeld
3 . deadpan